

ترجمه و ویرایش (۲) *

حسن لاهوتی

The only way to police a ghetto is to be oppressive. None of the Police Commissioner's men, even with the best will in the world, have any way of understanding the lives led by the people they swagger about in twos and threes controlling. Their very presence is an insult, and it would be, even if they spent their entire day feeding gumdrops to children. They represent the force of the white world, and that world's intentions are, simply, for that world's criminal profit and ease, to keep the black man corralled up here, in his place. The badge, the gun in the holster, and the swinging club make vivid what will

ترجمه دانشجو

(۱) تنها راه کنترل یک محله سیاه‌پوست‌نشین این است که پلیس سرکوبگر باشد. (۲) هیچ‌یک از افراد پلیس، حتی اگر در دنیا بیش از همه دلش بخواهد، هیچ راهی برای درک زندگی مردمی که از برابر آنها دو به دو یا سه به سه می‌گذرند و آنها را زیر نظر می‌گیرند ندارد. (۳) حضور آنان یک توهین است و حتی اگر آنان همه روز خود را صرف آدامس خوردن به کودکان می‌کردند باز هم جز این نمی‌بود. (۴) مأموران پلیس نماینده نیروی انتظامی دنیای سفیدپوستان هستند و منظور حقیقی آن دنیا، به‌سادگی، در ازاء آسایش و منفعت تبهکارانه آن دنیا، آن است که سیاه‌پوستان را در اینجا، در محل خودش، محصور نگاه دارد. (۵) نشان، تفنگ جلد چرمی، و باتومی که در حال نوسان است، روشن می‌سازد که اگر سرپیچی سیاه‌پوست علنی شود چه اتفاقی می‌افتد.

متن ویرایش شده

(۱) تنها راه حفظ نظم در محلات سیاه‌پوست‌نشین این است که پلیس با چماق روی سرشان باشد. (۲) هیچ‌یک از مأموران پلیس، حتی اگر خیلی انصاف داشته باشد، به هیچ‌طریق نمی‌تواند بفهمد مردمی که او دو به دو یا سه به سه و با تبختر از برابرشان می‌گذرد و آنها را زیر نظر دارد، زندگی را چگونه به سر می‌آورند. (۳) اصلاً حضور مأموران پلیس توهین به این مردم است و آنها حتی اگر صبح تا شب وقت خود را صرف آدامس نهادن به دهان کودکان نکنند باز هم حضورشان توهین‌آمیز است. (۴) مأموران پلیس، مظهر قدرت حکومت سفیدپوستان هستند، و نیت واقعی این حکومت این است که صرفاً برای حفظ آسایش و منافع پلید خود، سیاه‌پوستان را اینجا، در محله خود، محصور نگاه دارد. (۵) نشان پلیس، تپانچه داخل جلد و باتوم آویزان، به‌وضوح گویای آن است که اگر سیاه‌پوست علناً دست به شورش بزند، چه اتفاقی می‌افتد.

* این متن از کتاب زیر نوشته جیمز بالدوین گرفته شده است:

happen should his rebellion become overt. Rare, indeed, is the Harlem citizen, from the most circumspect church member to the most shiftless adolescent, who does not have a long tale to tell of police incompetence, injustice, or brutality. I myself have witnessed and endured it more than once. The businessmen and racketeers also have a story. And so do the prostitutes. And this is not, perhaps, the place to discuss Harlem's very complex attitude toward black policemen, nor the reasons, according to Harlem, that they are nearly all downtown.

(۶) در هارلم، از مآل‌اندیش‌ترین آدم‌های اهل کلیسا گرفته تا بی‌بندوبارترین جوانان، کمتر کسی است که داستانی بلند از بی‌کفایتی، بی‌عدالتی و ددمش‌افراد پلیس در خاطر نداشته باشد. (۷) خود من بارها چنین وقایعی را به چشم دیده و تحمل کرده‌ام. (۸) کاسبان بازار و باج‌گیرها نیز هر یک داستانی برای تعریف کردن دارند. (۹) همین‌طور روسپیان. (۱۰) (شاید اینجا جای آن نباشد که از دیدگاه بسیار پیچیده اهالی هارلم نسبت به مأموران سیاه‌پوست پلیس سخن بگویم و نه از اینکه چرا آنان، به گفته اهالی هارلم، تقریباً همه‌شان، در پایین شهر خدمت می‌کنند.)

(۶) از محتاط‌ترین کلیسائشینیان گرفته تا بی‌خیال‌ترین نوجوانان، واقعاً نادر است فردی از اهالی هارلم که یک داستان بلند از بی‌کفایتی، بی‌عدالتی و وحشیگری افراد پلیس در خاطر نداشته باشد. (۷) خود من بیش از یکبار شاهد آن بوده و تحمل کرده‌ام. (۸) کاسبان بازار و باج‌گیرها نیز داستانی دارند. (۹) و همچنین روسپیان. (۱۰) (و شاید اینجا جای آن نباشد که از طرز تفکر بسیار پیچیده اهالی هارلم نسبت به مأموران سیاه‌پوست پلیس سخن بگویم و نه از دلایل آنکه، به قول اهالی هارلم، آنها تقریباً پایین‌شهری‌اند.)

۱. کلمه "a" قبل از ghetto، نشانه واحد = "یک" نیست، بلکه نشانه اسم جنس است. اسم جنس و نوع در فارسی علامت خاصی ندارد: فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش. البته از جهت تأکید و تعمیم بر همه افراد نوع و جنسی خاص می‌توان از حرف اضافه "هر" یا از علامت جمع هم استفاده کرد و به این ترتیب معادل "یک محله" غلط و درست آن یکی از این معادلهاست: محله، هر محله، هر یک از محلات، محلات. تعبیر "با چماق روی سرشان باشد" به جای "پلیس سرکوبگر باشد" تعبیری آشناست و ترجمه‌ای است مفهومی و در ترجمه این نوع متون بسیاری از موارد پیش می‌آید که چاره‌ای جز توسل به ترجمه مفهومی نداریم.

۲. with the best will in the world؛ این عبارت را فرهنگها در شمار اصطلاحات (idioms) ثبت کرده‌اند. کلمات in the world به هیچ وجه معنی اصلی خود (در دنیا) را ندارد و صرفاً از باب تأکید به کار می‌رود. معانی این اصطلاح را از روی فرهنگ اصطلاحات آکسفورد چاپ ۱۹۸۳ چنین می‌خوانیم:

(1) however good one's intentions are; (2) even if one is as well disposed as possible.

فرهنگ *Advanced Learners* چاپ ۱۹۹۵، آن را چنین توضیح داده است:

- (1) even if one makes the greatest effort;
- (2) even though one would very much like to.

۳. *an insult* = یک توهین، در ترجمه دانشجو، درست نیست؛ چون *an* در اینجا برای شمارش *insult* نیامده است. *a/an* در جلو اسمهای معنی، مثل *insult*، به معنی *a kind* است: "نوعی اهانت است".
very قبل از *presence* صرفاً از جهت تأکید به کار رفته که در ترجمه دانشجو معادل نیافته است. علاوه بر قید "اصلاً" کلماتی مثل واقعاً، براستی، هم، نیز و همین را (البته هر یک را در جای خود) می‌توان برای تأکید به کار برد. ضمیر "خود" با کسره نیز اسم بعد از آن را مؤکد می‌سازد: خود حضور اینها نوعی توهین است. همین حضورشان نوعی اهانت است.

۴. *force* در اینجا به "قدرت" نزدیکتر است تا به نیروی انتظامی.

world از آن جهت "حکومت" ترجمه شده است که قدرت همیشه وابسته به حکومت است. پلیس نمی‌تواند نماینده افراد سفیدپوست آمریکا باشد. منطبق متن حکم می‌کند که *white world* را در اینجا "حکومت سفیدپوستان" ترجمه کنیم.

simply در اینجا مترادف *merely*، *only* است. این قید، مانند صفتش *simple*، همیشه به معنای "ساده" و بسادگی نیست. گاهی هم معنای *completely* و *absolutely* دارد.

criminal را در اینجا باید "پلید" و مانند آن ترجمه کنیم تا با اسمهای "آسایش" و "منفعت/منافع" رابطه معنایی پیدا کند؛ به عبارت دیگر صفت "تبهکارانه" در فارسی با اسم "آسایش" و "منفعت/منافع" میل ترکیبی (*collocation*) ندارد.

۵. *the badge*، حرف اضافه *the* اسم *badge* را معرفی و خاص کرده است؛ "نشان" عام است. در متن صحبت از پلیس در میان است، بنابراین منظور نشان خاص پلیس است که معمولاً روی لباس و کلاه او قرار دارد.

the gun in the holster؛ اولاً تفنگ معمولاً لوله‌دراز است، و در اینجا منظور اسلحه کمربندی است؛ ثانیاً وقتی می‌گوییم "تفنگ جلد چرمی" ترکیبی ساخته‌ایم که مثل "تفنگ شکاری" و "اسلحه کمربندی" بر نوعی خاص از اسلحه دلالت می‌کند؛ عبارت انگلیسی ما مخفف عبارت *the gun which is in the holster* است و این عبارت نیز از جمله اصلی *gun is in the holster* ساخته شده است؛ پس می‌نویسیم "تپانچه داخل جلد چرمی".

۷. *more than once* را نمی‌توان "بیش از یک بار" ترجمه کرد؛ زیرا، بیش از یک بار می‌شود دوبار، حال آنکه فرهنگها آن را *quite frequently* توضیح داده‌اند.

در اینجا با استفاده از قاعده جایگزینی، عین مرجع را به جای ضمیر (*it*) (چنین وقایعی) ترجمه

کرده‌ایم، در نتیجه ترجمه روان‌تری به دست آمده است.

۱۰. they are ... downtown. این جمله جواب سؤال Where are they? است نه جواب

They are downstairs. قیاس کنید با جملات خبری از قبیل Where are they from?

They are upstairs. منظور نویسنده از جمله they are nearly all downtown این است که تقریباً

همه آنها (مأموران سیاه‌پوست پلیس) در پایین شهر خدمت می‌کنند، نه در هارلم سیاه‌پوست‌نشین که در

ناحیه شمالی جزیره مانهاتان نیویورک قرار دارد.